



چرا باید به وحید هاشمیان فرصت داد؟

**هلی کوپتر
بر فراز دوزخ**

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سه شنبه ۱۷ تیر ماه ۱۴۰۴

شماره ۱۸۴۷

«دنیای هوادار» از ضرورت بازتعریف نقش دانش و نهادهای بین المللی در حفاظت از طبیعت در زمان جنگ می گوید؛

صلح از خاک و درخت آغاز می شود

بازگشت به سنا اگر فقط پایتخت شرقی خاندانی است؛

بازیابی اعتماد

آقای کرد و خیابان از مانی گیرده فقط خبر نیست؛

تنفس در مه

تحکیم روابط تجاری با چین یا آمریکا؟

اروپا بر سر دوراهی

سازوکار ایرانی در آستانه بازگشت به مدار تحریم ملی؛

احیای صنعتی خاموش



یاد و خاطر شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم جعلی بویژه «امیرعلی حاجی زاده» گرامی باد



خودکشی وزیر حمل و نقل روسیه

کارآگاهان در روسیه اعلام کردند «رومن استاروویت» -وزیر حمل و نقل این کشور- که روز گذشته از سوی رئیس جمهور روسیه برکنار شد، خودکشی کرده است! طبق گزارش راشاتودی، قرار است درباره معاون پیشین او به اتهام اختلاس در پروژه های دفاع مرزی تحقیقات به عمل آید. «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه استاروویت را اوایل روز دوشنبه از سمت خود برکنار کرد. دولت روسیه هیچ توضیح رسمی درباره اخراج استاروویت ارائه نکرد، اما اخراج او پس از حملات پهنپادی اوکراین در آخر هفته صورت گرفت که باعث بروز هرج و مرج در ترافیک هوایی و سرگردانی مسافرانی به دلیل لغو پروازهایشان شد.



سرمقاله

مسعود، پزیدنتی با زبان صلح

مهدی صالحی

در روزهایی که بسیاری از رهبران منطقه در تله بازی های پیچیده و متخاصم گرفتار آمده اند، گفت و گوی دکتر مسعود پزشکیان با تاکر کارلسون -روزنامه نگار جنجالی و تأثیرگذار آمریکایی- تصویری تازه از جایگاه و منش سیاسی رئیس جمهوری ایران را به جهان مخابره کرد؛ تصویری که در رسانه های بین المللی نه صرفاً به مثابه یک موضع سیاسی، بلکه به عنوان تغییر لحن، منش و افق آینده ساز در روابط دیپلماتیک ایران مورد توجه قرار گرفت. رسانه های غربی، از رویترز و گاردین تا بلومبرگ و آتاولی، به وضوح روی دو محور کلیدی اظهارات پزشکیان تمرکز کردند: نخست، آمادگی ایران برای مذاکره با آمریکا با تأکید بر اعتماد سازی به عنوان پیش شرط؛ دوم، افشای تلاش رژیم صهیونیستی برای ترور رئیس جمهور ایران که نه تنها ابعاد تازه ای از جنگ نیابتی میان تهران و تل آویو را برملا کرد، بلکه نشان داد که در رأس قدرت ایران، اکنون شخصیتی ایستاده که هم زبان صلح دارد، هم قلبی مصمم برای ایستادگی.

در این میان، واکنش رسانه هایی چون نیوزویک که تأکید کردند پزشکیان «موضعی تهاجمی و در عین حال صلح طلبانه» اتخاذ کرده، نکته ای ظریف را روشن می سازد: برای اولین بار در چند سال گذشته، یک مقام ارشد ایرانی در سطح جهانی، تهدید ترور را بی واسطه به زبان آورده، اما نه برای تهییج افکار عمومی یا تقویت هیجان سیاسی، بلکه برای یادآوری اینکه میز مذاکره باید از سایه ترور و خشونت عبور کند تا به افق نتیجه محور برسد.

دکتر پزشکیان با جمله ای ساده اما قدرتمند که گفت: «آماده شهادت در راه وطن هستم»، نه تنها یادآور گفتن ایثارگران انقلاب شد، بلکه نشان داد که می توان با ترکیب واقع بینی، جسارت و منش گفت و گویی، در یکی از بحرانی ترین نقاط ژئوپلیتیک جهان، سیاستمداری کرد.

در کنار این ها، آنچه در پوشش های رسانه ای جلب توجه می کند، بازگشت واژه «اعتماد» به متن گفت و گوهای ایران و آمریکا است؛ واژه ای که در یک دهه اخیر، زیر بار تحریم، ترور، حمله به سفارتخانه ها و جنگ نیابتی، از واژگان رسمی دیپلماسی دو کشور حذف شده بود. اما حالا، پزشکیان نه از سر ساده دلی، بلکه با اشراف به فضای تنش آلود جهانی، دوباره آن را زنده کرده است.

در جهانی که از نتانیاهو تا برخی تندروهای داخلی و خارجی، در پی جنگی بی پایان در خاورمیانه اند، رئیس جمهوری ایران از گفت و گو حرف می زند، اما با این قید که ایران قربانی نباشد و اگر قرار است توافقی صورت گیرد، باید از سایه تهدید و ترور عبور کند. این گفت و گو، برای اولین بار پس از مدت ها، تصویر پزشکیان را در ذهن ناظران خارجی از یک مدیر اجرایی داخلی به یک بازیگر مؤثر در سیاست بین الملل ارتقاء داد؛ کسی که با پشتوانه مردمی، منش اخلاقی گرایانه، و درک عمیق از پیچیدگی های منطقه ای، هم می تواند زبان مذاکره را بفهمد، هم بهای ایستادگی را بدهد. اگرچه همچنان مسیر روابط ایران و آمریکا پرسنگلاخ، مبهم و متأثر از مؤلفه های متعددی ست، اما این مصاحبه، ولو تنها یک گام نمادین، در عادی سازی تصویر ایران در رسانه های جهان بود. تصویری که نه با فریاد، بلکه با کلمات سنجیده و جسورانه پزشکیان ترسیم شد.

دنیای سوادار

سه شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۷

رویداد

حرف اول

بازگشت به مذاکره فقط بایک شرط عقلانی است:

بازیابی اعتماد

روی میز مذاکره بود.

در چنین وضعیتی، آیا بازگشت به مذاکرات ممکن است؟ پاسخ رئیس جمهور ایران روشن است: بله، اما نه به هر قیمتی. اعتماد، پیش شرط بازگشت به گفت و گو ست. این اعتماد نه از جنس خوش خیالی دیپلماتیک، بلکه به معنای تعهد به چارچوب های قانونی، توقف چرخه تحریم و ترور، و تضمین امنیت مذاکرات است.

گفت و گوی پزشکیان نشان داد جمهوری اسلامی، با وجود همه زخم هایی که از تعامل با غرب خورده، نفتن ها از گفت و گو نمی هراسد، بلکه آن را به مثابه راه حل عقلانی برای رفع بحران ها پیشنهاد می دهد. اما او هشدار داد: صلح فقط زمانی ممکن است که آمریکا بازیچه دست رژیم مانند اسرائیل نشود؛ رژیمی که نفتن ها ژن جنگ را در خون دارد، بلکه حالا تا سطح ترور رهبران سیاسی ایران نیز پیش رفته است.

نکته تأمل برانگیز دیگر در این مصاحبه، تبیین صریح و صادقانه موضع ایران در قبال برنامه هسته ای بود. پزشکیان بر فتوای رهبری و سابقه همکاری شفاف با آژانس بین المللی انرژی اتمی تأکید کرد و در عین حال از خیانت آشکار آژانس در افشای اطلاعات به اسرائیل سخن گفت. این همان نقطه ای ست که اعتماد عمومی در ایران را نسبت به نهادهای بین المللی تضعیف کرده است. باین حال، رئیس جمهور ایران بار دیگر اعلام آمادگی کرد که در صورت فراهم شدن شرایط، نظارت ها از سر گرفته شود.

شاید کلیدی ترین جمله این گفت و گو آنجا بود که

اگرچه گفتمان رسمی جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته همواره از زبان «مقاومت» و «استقلال» سخن گفته، اما آنچه در گفت و گوی صریح و بلند مسعود پزشکیان با تاکر کارلسون نمایان شد، باز نویسی واقع گرایانه ای از همین ادبیات بود؛ گفتنی که هم در برابر جنگ ایستاده، هم دست دوستی به سوی صلح دراز کرده، اما با صدای رسا اعلام می کند: صلح، بدون اعتماد و تضمین، شعاری توخالی است. پزشکیان با بیانی روشن، تصویری متفاوت از جمهوری اسلامی در ذهن افکار عمومی جهانیان نقش بست. نه تصویر یک نظام جنگ طلب یا ایدئولوژیک، بلکه تصویری از کشوری قربانی، که با وجود زخمی شدن از تحریم، ترور، خیانت و بی اعتمادی، هنوز هم باور دارد گفت و گو می تواند مسیر مشترک ملت ها باشد، اگر میز مذاکره بمباران نشود.

ریشه اصلی مسئله، از منظر رئیس جمهور ایران، نه در تهران که در تل آویو نهفته است؛ جایی که «بنیامین نتانیاهو»، این خونخوار جنایتکار به معنای دقیق کلمه، با سماجتی بیمارگونه، تلاش می کند دیپلماسی را به حاشیه براند و با توسل به عملیات نظامی، خرابکاری، ترور و روایت سازی دروغین، مذاکره را در نطفه خفه کند. پزشکیان بی پرده گفت که در حالی که ایران در حال گفت و گو با آمریکا بود، اسرائیل با حمایت پنهان یا رضایت تلویحی آمریکا، حملاتی را علیه تأسیسات هسته ای انجام داد؛ اتفاقی که به تعبیر او، بمب گذاری

تحکیم روابط تجاری با چین یا آمریکا؟ اروپا بر سر دوراهی

سارا خوش لهجه



«لیانا فیکس» یکی از اعضای اتحادیه اروپا در شورای روابط خارجی در همین ارتباط گفت: «هیچ کارت اعتباری چینی برای اروپا وجود ندارد».

شکاف میان پکن و اتحادیه اروپا وقتی بیشتر نمایان شد که این بلوک هزینه های دولت برای خرید تجهیزات پزشکی از چین را محدود و اعلام کرد که سازمان های دولتی این کشور با شرکت های اروپایی ناعادلانه رفتار کرده اند و لازم است که شرایط برابر ایجاد شود. چین نیز به نوبه خود اعلام کرد که این اقدام اروپا را تلافی خواهد کرد.

این گزارش تأکید کرد که روابط اقتصادی میان پکن و بروکسل در شرایط حساسی قرار دارد، چرا که بسیاری از کشورهای اروپایی همچنان به شدت به مواد صنعتی چین وابسته هستند. صادرات اروپا به چین، به ویژه از آلمان که مدت ها ست روابط تجاری نزدیکی با چین دارد، نیز بسیار قابل توجه است.

آمارها نشان می دهند که ورود کالاهای ارزان قیمت چینی به اروپا نیز روند افزایشی داشته است. این امر واکنش مقامات بروکسل را برانگیخته است، چرا که شرکت های اروپایی قادر به رقابت با این کالاهای وارداتی نیستند. خاطرنشان می شود که این نارضایتی مقامات اروپایی فقط محدود به امور تجاری نیست. آن

ها بارها نسبت به حمایت چین از روسیه در طول جنگ اوکراین واکنش نشان داده اند، چرا که این حمایت ها از طرفی هم بازاری برای سوخت و سایر محصولات روسی فراهم می کرد و هم باعث کاهش تأثیر تحریم های اروپایی شده بود. «لارس لوه» راسموسن» وزیر امور خارجه دانمارک، در ارتباط با این شکاف ها و مشکلات اظهار داشت که اتحادیه اروپا نمی خواهد روابط با چین را قطع کند، بلکه مسئله این است که در موضعی برابرتر و با رویکردی معامله گرایانه تر عمل شود.

خاطرنشان می شود که این اتحادیه متشکل از ۲۷ کشور است که در کنار هم سومین اقتصاد بزرگ جهان را تشکیل می دهند. اتحادیه اروپا برای ترویج تجارت فرامرزی ایجاد شد و همچنان مدافع قدرتمند تجارت آزاد است.



از «البرز» چه خبر؟



هم راحت می شود.

این مادر و همسر شهید که انگار هنوز هم باور از دست دادن این عزیزان برایش سخت بود ادامه داد: اکنون ۲ فرزند دختر دارم و در آن روز شهادت قسمت این پدر و پسر بود.

بامداد جمعه ۲۳ خردادماه ۱۴۰۴ در پی حمله تروریستی رژیم صهیونی به تهران و مناطقی از کشور و شهادت شماری از فرماندهان نظامی، دانشمندان و مردم غیرنظامی، دفتر دیگری از استقامت، مردانگی، غیرت، شهادت، شجاعت، ایثار و فداکاری پیش پای ملت ایران به ویژه رزمندگان اسلام و قشرهای مختلف اجتماعی گشوده شد.

در این جنگ تحمیلی که جبهه استکبار با تمام قدرت پشت سر صهیونیسم ایستاد، شیرزنان و رادمردان ایران اسلامی متحد و یکپارچه پای حاکمیت ملی و ارزش های الهی ایستادند و جلوه های اقتدار را در جهان به نمایش گذاشتند.

رزمندگان اسلام چنان برق آسا به قلب خانه عنکبوتی صهیونیسم تاختند که ۱۲ روز بعد دستانش به نشانه تسلیم بالا رفت و خسارات و تلفات فراوانی را متحمل شد.

روایتی از شهیدان بسحاق در حمله اسرائیل به کرج

پدر همراه پسر در شهادت؛

وی بیان کرد: پسر قسمت شهادت را در کرج داشت چون شهید شدن را دوست داشت وقتی در تبریز بود همش دلشوره داشتم که شهید شود اما وقتی به کرج آمد خیالم راحت بود که اینجا نزدیک تر به خانواده است بطوریکه حتی بعضی از شبها تا صبح پایگاه بسیج بود به هر جهت چون آرزوی شهادت را داشت.

این مادر شهید از همسر شهیدش که در دوران جوانی نیز بسیجی بوده یاد کرد و افزود: پدر محمد یاسین نیز تقدیر بر این بود که همان روز با تنها پسرش شهید شود و گرنه قسمت می شد که من هم آنان راهم می گفتم و به این فیض نائل شوم.

راستگویی و نماز اول وقت ویژگی

باز شهیدان بسحاق

وی مهمترین ویژگی شهیدان بسحاق را راستگویی و نماز اول وقت خواند و افزود: محمد یاسین ۳۱ ساله نماز و روزه قضا نداشت و همیشه به گفته دوستان و آشنایان راست می گفت.

این مادر شهید گفت: فرزندم با شهدای گمنام ارتباط خاصی داشت بطوریکه پرسرمار آنان می رفت و درد دل می کرد.

وی در ادامه به روز حمله ددمنشانه اسرائیل به مقر سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز اشاره کرد و افزود: همسرم همراه تنها پسرش شده بود تا انتقالش را به اشتهارد گیرد اما قسمت هردوی آنان شهادت شد همش به پسر می گفتم اگر انتقال پیدا کنی به شهرستان اشتهارد که محل سکونتمان است خیالم من

صبح روز دوم تیرماه بود که «رحیم بسحاق» در انتظار تنها پسرش «محمد یاسین» در محل کار بود تا باهم حدود ساعت ۱۱ برای انجام کارهای اداری پسر همراه او شود اما پدر همراه پسر در شهادت شد.

مادر و همسر شهیدان «محمد یاسین و رحیم بسحاق» راوی حملات ددمنشانه اسرائیل غاصب به سپاه امام حسن مجتبی (ع) است که در اثر این حمله ۲ عزیز خود را از دست داده است.

این مادر و همسر شهید گفت: پاسدار شهید «محمد یاسین بسحاق» چند روزی بود که از تبریز به کرج منتقل شده بود و دنبال کارهای انتقال کامل تنها پسر به اشتهارد یا کرج بودیم.

وی افزود: صبح روز حمله اسرائیل به سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز پدرش «رحیم بسحاق» گفت که باید همراه محمد یاسین باشم که امروز قرار است برای درجه داری به سپاه استان برود.

مادر شهید «محمد یاسین بسحاق» ادامه داد: حتی به پدر محمد یاسین گفتم اگر امکان دارد من هم با شماها بیام اما مانع شد و گفت اگر من هم می روم می خواهم محمد یاسین تنها نباشد.

این مادر شهید درحالی که بغض راه گلویش را بسته بود یادی از سخنان پسرش کرد و افزود: دوستان پسر من می گفتند شهید «ابراهیم هادی» چند وقت پیش به خوابش آمده بود و گفته بود که می خواهم ببرمت پیش خودم آخه راستش را بخواهید محمد یاسین همش حرف از شهادت می زد.

آزادی ۱۸ زندانی جرائم غیرعمد در البرز

طریق گذشت شکات و آورده خانواده زندانیان و ۳۰

میلیارد ریال از محل منابع مختلف در اختیار ستاد مردمی دیه تأمین شد.

مقدسی افزود: تعداد ۱۱ نفر از این زندانیان بدهکاران مالی، ۶ نفر بدهکار مهریه و یک نفر نیز به دلیل نفقه در زندان به سر می‌رند.

وی با اشاره به وضعیت کنونی زندانیان جرائم غیرعمد در استان البرز، گفت: در زمان حاضر ۴۰۸ زندانی جرائم غیرعمد در زندان‌های استان وجود دارد که از این تعداد ۳۷ نفر زن هستند.

مقدسی یادآور شد: پوشش مردمی نذر آزادی، از ابتدای محرم با هدف آزادی زندانیان جرائم غیرعمد آغاز شده که با استقبال مردمی و خیران همراه بوده است.

وی گفت: این پوشش به منظور آزادی ۷۲ زندانی جرائم غیرعمد در استان البرز آغاز شده و هر شخصی با هر مبلغی، حتی ۱۰ هزار ریال، می‌تواند در ثواب این

طریق گذشت شکات و آورده خانواده زندانیان و ۳۰ میلیارد ریال از محل منابع مختلف در اختیار ستاد مردمی دیه تأمین شد.

مقدسی افزود: تعداد ۱۱ نفر از این زندانیان بدهکاران مالی، ۶ نفر بدهکار مهریه و یک نفر نیز به دلیل نفقه در زندان به سر می‌رند.

وی با اشاره به وضعیت کنونی زندانیان جرائم غیرعمد در استان البرز، گفت: در زمان حاضر ۴۰۸ زندانی جرائم غیرعمد در زندان‌های استان وجود دارد که از این تعداد ۳۷ نفر زن هستند.

مقدسی یادآور شد: پوشش مردمی نذر آزادی، از ابتدای محرم با هدف آزادی زندانیان جرائم غیرعمد آغاز شده که با استقبال مردمی و خیران همراه بوده است.

وی گفت: این پوشش به منظور آزادی ۷۲ زندانی جرائم غیرعمد در استان البرز آغاز شده و هر شخصی با هر مبلغی، حتی ۱۰ هزار ریال، می‌تواند در ثواب این



مدیرستاد دیه البرز از آزادی ۱۸ زندانی جرائم غیرعمد در دهه اول ماه محرم در این استان خبر داد.

«محمد باقر مقدسی» روز دوشنبه اظهار کرد: از مجموع زندانیان آزاد شده یک نفر زن و مابقی مرد بودند.

وی اضافه کرد: مبلغ کل بدهی این زندانیان یک هزار و ۲۴۱ میلیارد ریال بود که از کل بدهی مبلغ یک هزار و ۶۲۹ میلیارد ریال از طریق پذیرش دادخواست اعسار توسط مراجع قضایی، ۱۴۸ میلیارد ریال از

تصادف در جاده کندوان هفت نفر مصدوم داشت

به محل حادثه اعزام شدند.

وی ادامه داد: در این حادثه چهار مرد و سه زن مصدوم شدند که توسط اورژانس و هلال احمر استان البرز و اورژانس استان مازندران به آنها خدمات رسانی شد.

مهدوی گفت: پنج مصدوم این حادثه توسط آمبولانس های هلال احمر و بالگرد اورژانس

رییس مرکز اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی استان البرز اعلام کرد: بر اثر تصادف سه دستگاه خودرو در تونل کندوان هفت نفر مصدوم شدند.

دکتر «احمد مهدوی» روز دوشنبه گفت: این حادثه بعد از ظهر امروز در تونل کندوان به اورژانس البرز گزارش شد که تیم های اورژانس و هلال احمر البرز

اقدام نیکوکارانه پیشکسوت ورزش البرز / خرید ۱۰ سری جهیزیه برای نیازمندان

رییس شورای اسلامی محمد شهر استان البرز اعلام کرد: سید نعمت خلیفه پیشکسوت ورزشی و سرمربی سابق تیم ملی تگواندو ساکن این شهر ۱۰ سری جهیزیه و ۱۰ دستگاه ویلچر و کشور برای اهداء به زوج های جوان نیازمند و معلولان تهیه کرد. «رضا عزیزی» روز دوشنبه در حاشیه مراسم انتقال این اقلام به مرکز نیکوکاری اصناف استان البرز گفت: این پیشکسوت ورزش کشور به مناسبت سالگرد درگذشت برادرش مرحوم سید احمد خلیفه اقدام به خرید جهیزیه و ویلچر برای نیازمندان و معلولان کرد. رییس شورای اسلامی شهر محمد شهر با قدردانی از این اقدام خدایسندانه افزود: امیدواریم مردم با الگوبرداری از این کار خدایسندانه در جهت کمک به نیازمندان گام های موثری بردارند.

مکتب

سلولز ایرانی در آستانه بازگشت به مدار تولید ملی؛

احیای صنعتی خاموش

حمید رشید

در چشم‌انداز اقتصاد ایران، برخی صنایع اگرچه هرگز تیتیر یک روزنامه‌ها نبوده‌اند، اما ستون فقرات خاموشی برای تولید ملی محسوب می‌شوند. صنعت سلولزی یکی از همین بازیگران پنهان اما حیاتی است. صنعتی که از بستبندی کالاهای صادراتی گرفته تا تولید پوشک نوزادان، از تجهیزات بهداشتی تا تأمین اقلام بیمارستانی، در نبض روزمره جامعه جریان دارد؛ بی‌آن‌که چندان به آن توجه شود.

نشست اخیر انجمن صنایع سلولزی استان البرز اما نشانه‌ای از یک جنبش تازه در احیای این صنعت مظلوم بود: نشستی که با سخنان «حبیب‌الله هنرمندپور» -رئیس انجمن سلولزی و عضو اتاق بازرگانی استان البرز- نغتنها بر چالش‌ها انگشت گذاشت، بلکه نوید بازگشت صنعت سلولزی به سبب استراتژیک تولید کشور را داد.

در این نشست، سه چالش اصلی بر بوم واقعیت صنعت سلولزی ترسیم شد: کمبود تکنیک، بحران نیروی انسانی، و ضعف ایمنی و زیرساخت. اما نکته تمایز این تحلیل، توقف نکردن در سطح توصیف مشکل بود. انجمن جدید با ترکیب مدیریتی تازه‌نفس، اعلام کرد که برای هر بحران، برنامه‌ای عملیاتی و گامبه‌گام دارد.

برای حل معضل نقدینگی - که همواره اولین زخم عمیق صنایع خرد و متوسط است - انجمن سراغ ایده‌ای کم‌هزینه اما راهگشا رفته: تجمیع حساب‌های پرسنلی کارخانه‌های یک بانک مشخص برای تسهیل دسترسی به تسهیلات سرمایه در گردش. راهکاری که اگرچه ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل می‌تواند به ایجاد چرخه مالی مستمر و قابل اعتماد برای بنگاه‌های سلولزی بینجامد.

در حوزه انرژی نیز، پیشنهاد جسورانه‌ای مطرح شده است: احداث نیروگاه خورشیدی در شهرک صنعتی اشتهارد با ظرفیت ۲۰۰ مگاوات. این پروژه - اگر به ثمر بنشیند - نغتنها از آسیب خاموشی‌های غیرقابل پیش‌بینی جلوگیری می‌کند، بلکه الگویی ملی برای خوداتکایی در تأمین انرژی صنایع خواهد بود. تشکیل تعاونی تأمین انرژی برای این پروژه نیز نشان می‌دهد که سازوکار اجرایی آن، صرفاً یک رؤیا نیست.

بسیاری شاید ندانند که صنعت سلولزی دقیقاً چه تولیداتی را شامل می‌شود. پاسخ ساده است: هر آن‌چه روزمره اما ضروری است. از کارتن و بستبندی برای صنایع غذایی و دارویی گرفته تا پارچه‌های بدون بافت، گان جراحی، دستمال کاغذی، پوشک و دیگر محصولات بهداشتی. این تنوع به معنای آن است که احیای صنعت سلولزی، نه فقط به معنای رونق یک شاخه صنعتی، بلکه به معنای گسترش امنیت زنجیره تأمین کالا در کشور است. نکته مهمتر این‌که برخلاف بسیاری از صنایع، در صنعت سلولزی ایران بین ۸۰ تا ۹۰ درصد مواد اولیه از داخل تأمین می‌شود. این یعنی وابستگی حداقلی به واردات، و ظرفیت حداکثری برای رشد درون‌زا. جز در مورد برخی کاغذهای فانتزی، این صنعت به‌طور کامل متکی بر توان بومی است [و ویژگی نادری در اقتصاد امروز ایران.

هنرمندپور در سخنانش به نکته‌ای حیاتی اشاره کرد: صادرات بخشی از محصولات سلولزی به کشورهای آسیای میانه و حوزه خلیج فارس. این یعنی حتی در شرایط تحریم، این صنعت نغتنها زنده مانده، بلکه توانسته در برخی بخش‌ها مزیت رقابتی نیز پیدا کند. در شرایطی که کشور به دنبال احیای صادرات غیرنفتی است، صنایع سلولزی می‌تواند بازوی مکمل صادرات صنایع غذایی، دارویی و بهداشتی باشند.

سال گذشته، به گفته هنرمندپور، همکاری بین اتاق بازرگانی و خانه صنعت در استان البرز، به سطح بی‌سابقه‌ای از هم‌افزایی رسید. نتیجه؟ هماهنگی در طرح مطالبات، تقویت لابی‌گری اقتصادی، و ایجاد زبان مشترک میان صنعتگران و بدنه حاکمیتی. این مدل همکاری، اگر در استان‌های دیگر نیز الگوسازی شود، می‌تواند فضای مطالبه‌گری اقتصادی را به شکلی نظام‌مند از حاشیه به متن اقتصاد کشور بیاورد. در سال‌هایی که بسیاری از صنایع ایران زیر فشار خاموش تحریم، بی‌برنامگی و کم‌توجهی به فراموشی رفته‌اند، نشانه‌هایی از احیا و بازیابی دیده می‌شود. صنعت سلولزی، اگرچه همیشه بی‌سروصدا بوده، امروز صدای تازهای یافته؛ صدایی که نه از جنس شکایت، بلکه از جنس طراحی و پیگیری است. این یادداشت، دعوتی است برای نگاه دقیق‌تر به صدایی که آینده توسعه‌محور کشور را در سکوت‌شان رقم می‌زند.

تنفس درمه

علیرضاناظری

در روزگاری که تهدیدها دیگر تنها با صدای انفجار یا حرکت ستون‌های نظامی معنا نمی‌شوند، یکی از خاموش‌ترین و بی‌صداترین دشمنان ما در کمین نشسته: گرد و غبار. پدیده‌ای که روزی صرفاً بخشی از اقلیم خشک و کویری ما تلقی می‌شد، اکنون بدل به بحرانی ملی و فرامنطقه‌ای شده است. بحرانی که نه مرز می‌شناسد، نه سن، نه طبقه، و نه زبان.

ذرات معلق که در هوا معلق‌اند، دیگر تنها نشانه‌ای از طوفان کویری یا وزش باد موسمی نیستند. آن‌ها حامل هزاران پیامد پنهان برای سلامتی ما هستند. دکتر محمد نوری سپهر، استاد دانشگاه علوم پزشکی البرز، بعدرستی از آن به‌مثابه تهدیدی زیست‌محیطی و بهداشتی یاد می‌کند؛ تهدیدی که آرام، بی‌صدا و بی‌هیاهو، اما مهلک عمل می‌کند.

ذراتی که با چشم غیرمسلح دیده نمی‌شوند، به سادگی راه خود را به اعماق دستگاه تنفسی ما باز می‌کنند؛ ریه‌ها، برونش‌ها، و قلب‌ها را هدف قرار می‌دهند. این ذرات که عمدتاً بین ۲.۵ تا ۱۰ میکرون‌اند، در هوایی که تنفس می‌کنیم جای می‌گیرند و سیستم‌های حیاتی بدن را به چالش می‌کشند. برای کودکان، سالمندان، و بیماران قلبی-ریوی، این تهدید چیزی فراتر از هشدار است؛ یک خطر قریب‌الوقوع؛ اما مسئله فقط آمار بیماری نیست. گرد و غبار، به‌مثابه یک پدیده اجتماعی، بازتاب شکاف عمیق ما با طبیعت است. آنچه ما امروز نفس می‌کشیم، بازتاب تصمیمات نادرست دیروز ماست؛ نابودی پوشش گیاهی، خشکانیدن تالاب‌ها، مدیریت نادرست منابع آبی، و بی‌توجهی به اقلیم منطقه‌ای. بسیاری از کانون‌های گرد و غبار، نه از دل کویر، که از دل سیاست‌های غلط زیست‌محیطی سربرآورده‌اند؛ و این تنها یک چالش ملی نیست. بسیاری از کانون‌های ریزگرد، در کشورهای همسایه ما، از عراق و سوریه تا عربستان و افغانستان قرار دارند. در جهانی که مرزها دیگر مانعی برای آلودگی نیستند، راحل نیز نمی‌تواند صرفاً در مرزها جست‌وجو شود. همکاری‌های منطقه‌ای، سیاست‌های مشترک برای احیای تالاب‌ها، و اقدامات دیپلماتیک برای توقف بیابان‌زایی در ورای مرزها، ضرورت انکارناپذیر امروز ماست.

در کنار این، اما نباید از اهمیت اقدامات فردی و فرهنگی غافل شد. چقدر جامعه ما به‌طور واقعی نسبت به اثرات گرد و غبار آگاه است؟ چند درصد از شهروندان می‌دانند که در روزهای آلوده، نباید ورزش صبحگاهی در پارک انجام دهند؟ یا اینکه تهویه خودرو باید بسته باشد؟ این سطح از ناآگاهی، خود یک بحران ثانویه است؛ بحرانی که می‌توان با آموزش‌های عمومی، کمپین‌های رسانه‌ای، و حضور پررنگ نهادهای آموزشی، تا حدی آن را مهار کرد. در برابر گرد و غبار، یک جامعه فقط با ماسک زنده نمی‌ماند. آنچه ما نیاز داریم، یک عزم ملی و اراده ساختاری است. برنامه‌های مقطعی، توصیه‌های روزمره، و هشدارهای گذرا، کافی نیستند. نیازمند یک نگاه راهبردی هستیم؛ نگاهی که سلامت انسان را نه جدا از سلامت محیط زیست، که در امتداد آن تعریف کند.

ذرات معلق، تنها بخشی از داستانند. آنچه پشت پرده این ذرات معلق در حرکت است، عدم‌توازن‌های اقلیمی، سیاست‌های توسعه‌طلبانه غیرپایدار، و نادیده‌گرفتن حقوق طبیعت است. گرد و غبار، استعاره‌ای از سیاست‌های اشتباه در زیست‌بوم ماست. اگر امروز در حال خفگی هستیم، این خفگی فقط فیزیکی نیست؛ خفگی نتیجه حذف صداهای هشداردهنده طبیعت است.

در پایان، باید پذیرفت که بحران‌های زیست‌محیطی، برخلاف جنگ‌ها و بلایای ناگهانی، «پایان» ندارند؛ آن‌ها ادامه می‌یابند، تکثیر می‌شوند، و آرام آرام ساختار زیستی و روانی جامعه را تحلیل می‌برند. گرد و غبار شاید تیتراژ اول خبرها نباشد، اما دقیقاً به همین دلیل است که باید جدی گرفته شود. تهدیدهای خاموش، آن‌هایی هستند که بیش از همه باقی می‌مانند.

«سیدمحمد حکیم‌الهی» معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی قم- گفت: در ایام تاسوعا و عاشورای حسینی امسال، مراکز درمانی تابعه دانشگاه علوم پزشکی با آمادگی کامل، به بیش از پنج هزار و شصت نفر خدمات درمانی، اورژانسی و زایمانی ارائه کردند. وی با اعلام گزارشی از خدمات ارائه‌شده در ایام تاسوعا و عاشورا، از حضور فعال تیم‌های درمانی و اورژانس در مراکز درمانی خبر داد و افزود: در بازه زمانی ۱۲ تا ۱۵ تیرماه که مصادف با ایام سوگواری امام حسین(ع) بود، تمامی مراکز درمانی وابسته به دانشگاه با تمام ظرفیت و حضور شبانه‌روزی کادر درمان، در حالت آمادهباش بودند. وی با اشاره به آمارهای ثبت‌شده طی این چهار روز، اضافه کرد: در مجموع پنج هزار و ۶۸۰ نفر به اورژانس بیمارستان‌های دولتی قم مراجعه کردند و ۶۸۵ نفر نیز بستری شدند.

«دنیای هوادار» از ضرورت بازتعریف نقش دانش و نهادهای بین‌المللی در حفاظت از طبیعت در زمان جنگ می‌گوید؛

صلح از خاک و درخت آغاز می‌شود

ایمان روزبهنی

در تمام روایت‌های بشری از جنگ، همواره انسان و اقتصاد در خط مقدم توجه قرار گرفته‌اند. از آمار کشته‌ها و زخمی‌ها گرفته تا تخریب زیرساخت‌ها و فروپاشی سیاسی-اجتماعی، همگی موضوعاتی‌اند که سیاستمداران و رسانه‌ها برجسته کرده‌اند. اما در پس این پردهٔ پرخروش، چیزی خاموش و خاموش‌تر می‌سوزد: طبیعت. سرزمین، درخت، خاک، رود، کوه و گونه‌های زنده‌ای که نه پاسپورتی دارند، نه صدایی. اما همواره نخستین قربانیان خاموش جنگ‌ها هستند.

در حالی‌که جنگ‌های مدرن با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی، نفع‌نشان انسان، بلکه تمام اکوسیستم‌ها را نیز درگیر می‌کنند، پرسش بنیادین این‌جاست: آیا نهادهای بین‌المللی، پژوهشگران و سیاستمداران، واقعاً صدای این خسارات بی‌صدا را می‌شنوند؟ یا هنوز محیط زیست، حاشیه‌ای‌ترین بخش معادله جنگ و صلح باقی مانده است؟

بررسی تجربه ایران در برابر تجاوز اخیر نظامی رژیم جعلی و آمریکا، که به نابودی بخشی از جنگل‌ها و مناطق حفاظت‌شده منجر شد، تنها یک نمونه از یک فاجعه جهانی است که در سایهٔ بمباران‌ها، به چشم نمی‌آید. این تجربه نشان می‌دهد جنگ دیگر صرفاً به انسان آسیب نمی‌زند، بلکه خاک، اکسیژن، آب، تنوع زیستی و آینده را می‌سوزاند. اما این همه فقط بخشی از حقیقت تلخ ماجراست؛ واقعیت اصلی این است که بخش بزرگی از جامعه جهانی هنوز خود را در برابر این نوع از تخریب‌ها مسئول نمی‌داند.

در چنین شرایطی نقش پژوهشگران حوزه محیط زیست، نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل، ودانش و داده‌های علمی بیش از هر زمان دیگری حیاتی شده است. اگر جنگی با ابعاد نظامی ظرف چند ساعت آغاز می‌شود، بررسی و جبران آسیب‌های محیط‌زیستی

آن شاید دهه‌ها زمان و منابع بخواهد. این‌جاست که دانش به‌مثابه ابزاری پیشگیرانه و درمانگر باید وارد میدان شود.

سازمان ملل در سال ۲۰۰۱ تلاش کرد با اعلام «روز جهانی جلوگیری از بهره‌برداری از محیط زیست در جنگ و درگیری‌های مسلحانه»، توجه جهانی را به این مسئله جلب کند. اما آیا صرف نام‌گذاری یک روز و صدور چند قطعنامه، می‌تواند مانع عبور تانک‌ها از دل جنگل‌ها شود؟ آیا پژوهشگران توانسته‌اند صدای علم را به گوش تصمیم‌سازانی برسانند که تنها زبان قدرت و منفعت را می‌فهمند؟

پاسخ، هنوز ناامیدکننده است. تا امروز بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده توسط دانشمندان حوزه محیط زیست، نه به اسناد الزام‌آور بین‌المللی راه یافته‌اند و نه سیاستمداران را به تغییر در رویکرد نظامی خود واداشته‌اند. در حالی‌که طبق گزارش برنامه محیط زیست سازمان ملل، در بیش از ۴۰ درصد جنگ‌های ۶۰ سال گذشته، آسیب‌های عمده‌ای به منابع حیاتی مانند آب، خاک، جنگل و زیست‌بوم‌ها وارد شده است، هنوز هیچ مکانیسم مشخصی برای ملزم کردن کشورهایی که آغازگر جنگ هستند، به پرداخت غرامت محیط زیستی وجود ندارد.

این در حالی است که در کنار کشورهای جنگ‌زده، بسیاری از جنگ‌افروزان، خود از سودآورترین بازیگران در بازار تسلیحات هستند. آن‌ها هم می‌فروشند، هم می‌سوزانند، هم تخریب می‌کنند و هم از پاسخگویی طفره می‌روند. اما آیا زمان آن نرسیده که جهان با صدای واحد از آن‌ها بخواهد نفع‌نشان خسارت انسانی، بلکه خسارت محیط زیستی را نیز جبران کنند؟ جنگ فقط آدم نمی‌کشد؛ آینده را می‌کشد. و آینده یعنی محیط‌زیست.

در این میدان، وظیفه دانشگاه‌ها و پژوهشگران تنها به نگارش مقالات علمی محدود نمی‌شود. آن‌ها باید

فراجا بر منطقه خاکستری نبرد، مسلط است

محمد رضا طهورانی

منطقه خاکستری، حالتی بین جنگ و صلح است؛ جایی که خصومت ادامه دارد اما ساختار و ترکیب خطرناک‌تر و پیچیده‌تری به خود می‌گیرد.

در جنگ مدرن ادراکی، ذهن انسان‌ها صحنه عملیات محسوب می‌شود. نتیجه مسمومیت داده‌ها در حد فاصل بین جنگ و صلح، مجروحان جنگ شناختی است. فراجا با مهارت و زندگی خاص، رویکرد تطبیق‌پذیری در ۴ حوزه (درک، توانایی، روحیه، عملیات) را به فراهربرد (امنیت داده محور) تبدیل کرد.

پلیس ایران با آگاهی بخشی و آموزش مبتنی بر ۴ اصل (روایت صادق، تصویر نافذ، استدلال تحلیلی، عملکرد مطلوب) به سرمایه‌ای به نام دستاورد رسانه‌ای دست یافت؛ تا گستره دسترسی، سرعت انتشار و حجم اطلاعات موثق و سفید را افزایش دهد. از طریق اعتماد و اعتبار ملی در گزارش دهی هموطنان به (۱۱۰) مزیت مطلق به نام (تنوع منابع اطلاعاتی) را به سرمایه اجتماعی خود افزود.

فراجا مردم را از مرحله هشدار به جایگاه مقاومت ملی و

سپس بازیابی روانی، اجتماعی رسانید. سیلاب داده‌های مسموم، معیوب، دشمن ساخته و تقطیع شده را بی اثر کرد. در زمان عطش بلعیدن اخبار جدید، زهرهای شناختی اخبار تضادزا و تردیدافزین دشمنان وطن را گرفت.

با پیش زرد سناریوهای جایگزین، تاکتیک فریب و شبیه‌سازی بحران‌های ساختگی چندوجهی جاسوسان را خنثی کرد؛ تا تکنیک (آشوب خود تکثیر شونده) عقیم‌پماند.

قدرت فرماندهی، مهارت تصمیم‌سازی، قوت تصمیم‌گیری و شرافت عملکرد میدانی در فراجا، رویای سوخته اهریمن صهیونی را بر باد داد.

فراجا در منطقه خاکستری کنونی با هارمونی هوشمند امنیت شهری، احتمال بروز بحران پله‌ای و جعلی در شهرها، مرزها، جاده‌ها و بازسازی شبکه نفوذ را مدیریت، مهار و مختل کرده است.

پایش لحظه به لحظه شهری و طراحی عملیات در مرزهای غربی و شرقی توسط فراجا به خوبی دژ پولادین امنیتی را مستحکم نگه داشت و اجازه حتی یک تحرک جزئی به دشمنان یکپارچگی ایران زمین را، نداد.



نقش کنشگر انفعتری در تعریف «پروتکل محیط زیست جنگ» ایفا کنند. برنامه‌هایی چند مرحله‌ای که شامل سه فاز کلیدی باشد: پیش از جنگ (پیشگیری، هشدار، شناسایی زیست‌بوم‌های حساس)، حین جنگ (نظارت، مستندسازی، فشار رسانه‌ای) و پس از جنگ (بازسازی، احیای منابع، جبران خسارت، تدوین سیاست‌های جدید).

برای رسیدن به چنین چارچوبی، هم بودجه نیاز است، هم اراده سیاسی، هم هم‌افزایی جهانی. از سازمان ملل گرفته تا NGOهای تخصصی، همه باید از پژوهشگران به‌مثابه نیروی تصمیم‌ساز حمایت کنند. تنها در سایه این پیوند است که می‌توان به یک الگوی جدید زیست‌محور در مواجهه با جنگ‌ها دست یافت.

اگر جنگ، بازتعریف مرزهاست، شاید وقت آن باشد که ما نیز مرزهای مسئولیت را بازتعریف کنیم. مسئولیتی که از ژئول‌ها و اتاق‌های جنگ، فراتر می‌رود و تا هر درخت، هر رودخانه و هر ذره خاک امتداد می‌یابد. نجات محیط زیست از پیامدهای جنگ، نه وظیفه یک کشور، بلکه تعهدی جهانی است. و اگر برای آینده زمین دغدغه داریم، باید از همین امروز برای آن بجنگیم؛ اما این‌بار نه با گلوله، که با علم، آگاهی و سیاست‌های بین‌المللی الزام‌آور.

پلیس ایران، ضمن شناسایی مغز افزانه مختصات منطقه خاکستری جنگ، سطح حساسیت فراهوشمند، تسلط اطلاعاتی و ابتکار میدانی خود را بازخوانی، باز تنظیم و بازسازی می‌کند. فراجا، در آوردگاه تنش ۳ بُعدی (فیزیکی، اطلاعاتی، مجازی) به نرم افزار تداوم و تعمیق انسجام اجتماعی، به عنوان فراگیرترین و سریعترین سامانه دفاع ملی، مجهز شده است. مردم، این نسخه جدید مقاومت را مشروع، معقول و کارآمد می‌دانند و ضمن درک و خرد جمعی برآمده از تفکر هویت ترکیبی (اسلامیت- ایرانیت)، ظرفیت رویکرد (پدافند محور ملی) را در اختیار نیروهای مسلح به‌ویژه فراجا قرار دادند و خواهند داد.

موفقیت در شناسایی سرحلقه‌های نفوذ، شامل اکوسیستم عوامل انسانی و جاسوس افزارهای دیجیتالی، دستگیری وطن فروشان مویرگی، ضربه جدی به شبکه موساد، ایجاد شکاف عمیق بین اپوزیسیون، تثبیت امنیت ملی پایدار و چندوجهی کشور و از همه مهم‌تر کسب خشنودی رهبر معظم انقلاب و رضایت‌مندی ملت، فراجا را در بهترین موقعیت تاریخی و اجتماعی ایران قرار داد.

مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، دبیر جشنواره نوزدهم «سینما حقیقت» شد. «رائد فریدزاده» رئیس سازمان سینمایی- طی حکمی محمد حمیدی مقدم را به عنوان «دبیر نوزدهمین جشنواره بین المللی فیلم سینما حقیقت» منصوب کرد. در حکم او خطاب به محمد حمیدی‌مقدم آمده است: «با عنایت به تخصص، تجارب و سوابق ارزشمند جنابعالی به موجب این حکم به عنوان دبیر نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم سینما حقیقت، منصوب می‌شوید. جشنواره بین‌المللی فیلم سینما حقیقت با پیشینه و سابقه گرانبه‌ای خود یکی از مهمترین رویدادهای سینمایی و تأثیرگذار در حوزه سینمای مستند محسوب می‌شود که می‌تواند جلوه‌گاه حقیقت و عظمت تاریخ و تمدن ایران سرافراز باشد. امید است با استعانت از پروردگار متعال و همراهی شورای محترم سیاستگذاری و مشارکت فعالان و هنرمندان سینمای مستند، شاهد برپایی با شکوه این رویداد مهم ملی و بین‌المللی به ویژه در به تصویر کشیدن دفاع سرافرازانه مردم غیور ایران در جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی باشیم».



نگاهی انتقادی به روایت آخرالزمانی در چهارده «مدمکس»؛

فرانچایز دیوانه‌ها

امیرویس



اکشن درجه‌یک و نیازی نیست که کاری به چنین ادعاهایی نداشته باشیم؟

در فیلم اول، نایت‌رایدر با شوق تمام درحین فرار مدعی آن می‌شود که «من فرستاده شده‌ام همه‌چیز را نابود کنم» و دارودسته‌اش نیز وقتی به فکر گرفتن انتقام او وارد کارزار می‌شوند، هرج‌ومرج‌طلب‌های هستند که فقط می‌خواهند نظم ظاهری را به‌هم بریزند و پلیس‌های فیلم در ظاهر و تکلم و روش مثل آن‌ها هستند و اگر فیلم به آن‌ها شغل پلیس‌بودن را نمی‌داد هیچ تفاوت آشکاری بین دو گروه فیلم وجود ندارد و تنها چیزی که باعث شده است بین این دو گروه تمایزی قائل شویم همان صفت جانی‌بودن به نایت‌رایدر است و پلیس‌ها از نظر جفنگ‌بودن و انجام‌دادن کارهای غیراخلاقی کم از گروه نایت‌رایدر ندارند. و اتفاقاً این خل‌وضع‌بودن هر دو گروه از موفقیت‌های فیلم اول سری مدمکس است که به هیچ حرف بزرگ و مثلاً مهمی آمیخته نیست و هیچ خطری در انتظار انسان را جیغ نمی‌کشد و اگر می‌لر می‌توانست این وضعیت را تا انتها پیش می‌برد و الگوی برای فیلم‌های بعدی می‌شد حتماً مجموعهٔ مدمکس آثار ماندگارتری در تاریخ سینما می‌شدند. اما مشکل زمانی رخ می‌دهد که هیچ‌تلاشی برای ساختن شخصیت‌ها نشده است و مخاطب فیلم هیچ‌شناختی از آدم‌های فیلم ندارد و واقعا معلوم نیست جریان از چه قرار است. مکس کیست؟ چرا قهرمان ما این اندازه منفعل است؟ مکس که تا نیمهٔ فیلم اصلاً در فیلم حضور ندارد چرا قهرمان فیلم باید باشد و تازه در چند دقیقهٔ پایانی فیلم و با قاتل همسر و فرزندش دست بکار می‌شود؟ و در عوض، گوس فعال و شایستهٔ شخصیت اول بودن است؟ در قتل نایت‌رایدر، مکس چه تأثیری دارد که دوستان نایت‌رایدر باید در پی او باشند و از طرفی اگر گروه نایت‌رایدر بدنبال مکس هستند، چرا هیچ‌تلاشی برای پیدا کردن او نمی‌کنند؟ و در آخر براساس تصادف پر آن‌ها به‌هم گیر می‌کند. با حضور گروه موتورسواران و آشوب آن‌ها و تعداد زیاد پلیس‌ها چرا کسی کار نمی‌کند؟ نداشتن سرمایه شاید توجیه مناسبی برای به‌تمر نشستن ایده‌ها و فکرها در مرحلهٔ اجرا باشد اما بهانهٔ خوبی برای عدم توانایی در نوشتن یک فیلم‌نامه با جفت و بست مناسب نیست.

میلر این آثارشیسیم فیلم اول را در سه‌فیلم دیگر به تلاش دو گروه برای بقا در پایان جهان تبدیل می‌کند و در پی ساختن آخرالزمان و به نهایت‌رسیدن تمام منابع طبیعی زمین انسان‌ها برای ادامهٔ زندگی می‌رود. میلر در مکس دیوانه: جنگجوی جاده عملاً با وارد کردن نوع مدیریت غلط سیاستمداران و ایجاد کردن جنگی ویرانگر برای سوخت‌های فسیلی و نابود کردن تمام جهان و برقراری قانون جنگل و حکومت قلدان بر جهان، نقشی دیگر برای خود متصور می‌شود و فیلمی بی‌مایه می‌سازد که به‌مراتب از فیلم اول آماتورتر است. ما نمی‌فهمیم چگونه باید سره از ناسره را تشخیص بدهیم و در وضعیت آخرالزمانی که همه برای زنده‌ماندن می‌جنگند، اساساً چرا گروهی که مالک سوخت هستند باید به گروهی که بدنبال سوخت هستند ترجیح بدهیم؟ صرفاً به این دلیل که جنگاوران سرزمین نابودی ظاهری خشن‌تر از مالکان سوخت دارند و می‌خواهند چند هزار مایل را طی کنند تا به بهشت برسند؟ (توهم چیست؟) وقتی مکس، قهرمان برگزیدهٔ ما فقط به فکر سوخت برای خودرویش است و هر کاری که انجام می‌دهد برای این امر است و حتی وقتی با خودخواهی گروه خواهان و رهسپار بهشت را به امان

«جورج میلر» تحت تأثیر فیلم‌های هالیوود جدید و سینمای دههٔ هفتاد آمریکا و بخصوص فیلم‌های ارزان و بی‌مووی‌های هیجان‌انگیز آن سال‌ها - که در خیلی‌ها اعتمادبه‌نفس فیلم‌سازی و فیلم‌ساختن را ایجاد کرد، مکس دیوانه / Mad Max (۱۹۷۹) را می‌سازد. فیلمی در مکان و زمان معین و با اهداف مشخص که بی‌آنکه ادعای بزرگی داشته باشد در پی ساختن اثری سرگرم‌کننده و دیوانه‌وار با مختصات خاص خود است (با وجود تمام ایرادهای اساسی که در تمام عناصر فیلم وجود دارد) و با توجه به کم‌هزینه‌بودن فرایند تولید فیلم می‌توان آن را تمرین اولیهٔ کارگردان برای یادگیری فیلم‌سازی در نظر گرفت و بیشتر از این هم از آن انتظار نداشته باشیم. اما جورج میلر در یک اقدام غریب و بی‌آنکه هنوز تبدیل به فیلم‌سازی آگاه به مدیوم انتخابی‌اش شده باشد از مکس دیوانه ۲: جنگجوی جاده (۱۹۸۱) ناگهان افهٔ روشنفکرانه می‌گیرد و با گذر از اتفاقات رخ داده در مکس دیوانه که در تیتراژ فیلم دوم می‌آید و نریشن ابتدای فیلم، وارد ساختن دنیا و اتمسفری به‌ظاهر به انتها رسیده و آخرالزمانی می‌شود که دیگر از آن سادگی فیلم اول که در آن می‌توان ادای دین میلر را به فیلم‌های از تاریخ سینما دید، خبری نیست (فقط برای نمونه زوم کردن به چشمان رنگی از حقه‌درآمدهٔ مکس به هنگام دیدن صورت سوختهٔ گوس که یادآور چشمان اسکانی در حیرت‌ماندهٔ سرگیجه هیچکاک است یا وقتی مکس دارد دو تا از موتورسواران را تعقیب می‌کند در جاده‌ای باریک به یک یک‌کش می‌رسد و بعد از چند لحظه بی‌آنکه صورت راننده یک‌کش را ببینیم دستش را بیرون می‌آورد و به مکس راه می‌دهد و ادای دینی به دوئل اسپیلبرگ است) و با ادعای که نیز دارد و از پس آن برنیامده عملاً شکستی مفتضحانه را تجربه کند. در دو فیلم بعدی مکس دیوانه: فراتر از تاندردام (۱۹۸۵) و مکس دیوانه: جادهٔ خشم (۲۰۱۵) نیز میلر دوباره تلاش کرده است تا آن شکست فیلم دوم را به‌نحوی جبران کند، اما در فیلم سوم تجربه‌ای مضحک‌تر از آن سر می‌گذراند و در فیلم چهارم فارغ از پیشرفت شگرف در تکنیک فیلم که ایده‌های دیوانه‌وار موردعلاقهٔ کارگردان به‌بار نشسته [حتماً تحولات عظیم در فن‌آوری تولید فیلم در این امر سهم بسزایی داشته- ادعاها بزرگ‌تر شده است که کارگردان بیشتر از آن‌که به فکر آن‌ها و پروراندنشان باشد در پی به‌تمر نشاندن آرزوی ساختن جو و حال‌وهوای دنیایی آثارشپستی و خل‌وار سه‌فیلم قبلی است و با جمع کردن بعضی از آن‌ها، کار را به انجام می‌رساند. (امیدوارم میلر حداقل از لحاظ روحی به ارضا رسیده باشد و دست از سر مکس بردارد!) با تمام این‌ها آیا می‌توان سهم خاصی برای فرانچایز مکس دیوانه در ساختن عالم در آخرالزمان قائل شد و اهمیتی برای آن لحاظ کرد؟ آیا بی‌توجه به عناصر شکلی فیلم‌ها و چگونگی اجرای آن‌ها، می‌توان ادعاهای فیلم را پذیرفت و در گونهٔ قاجعه برای ساخته‌های میلر جایگاهی در نظر گرفت؟ و با توجه به آن چیزی که در فیلم‌ها بر سر آن دعا است می‌توان مدمکس‌ها را انتقادی جدی به سیاستمداران و دغدغه‌های ماجراجویانهٔ آن‌ها در این سال‌ها فرض کرد و از طرفی پیش‌بینی و هشدار باشد برای آیندهٔ انسان؟ یا فقط ایدهٔ بودن جهان در وضعیت نقطهٔ پایان، بهانه‌ای است برای ساختن آن حال‌وهوای هزیان‌وار و غریب با شخصیت‌های جفنگ و یک فیلم



و او سوار بر یک کالسکه با چند شتر در برهوت است و همان ابتدا مورد حمله یک هواپیما قرار می‌گیرد و معلوم نیست چگونه به بارتوتاون، شهری که در دل بیابان برای دادوستد ساخته‌شده و انگار تنها مرکز اقتصادی جهان و مکان زندگی در آن وضعیت است، می‌رسد. شهری که ما چیزی از جزئیات نمی‌دانیم و تا آخر هم نمی‌دانیم. شهری که دو سلطان دارد که هرکدام ادعایی خدایی آن را دارد. آنتی که از طریق کارگزارانش بخش اقتصادی شهر را اداره می‌کند و مستر بلستر کوتوله، تولیدکنندهٔ برق شهر از طریق مدفوع خوک‌ها است. مستر بلستر هر وقت بخواهد می‌تواند برق شهر را قطع کند و سلطهٔ خود بر آنتی نشان می‌دهد و شبه‌غولی خشن هم در اختیار دارد تا توانایی جسمی او را پوشش دهد و آنتی هم در پی آن است تا با کشتن این غول به اقتدار مستر بلستر پایان دهد. خیر کیست؟ شر کیست؟ بلستر، آنتی را وادار می‌کند در برابر تمام نیروهای‌اش و همچنین ساکنان شهر اعتراف کند که رئیس شهر بلستر است و دروبین با آنتی بغض کرده و له شده می‌ماند. مکس هم قبول می‌کند در برابر پس‌گرفتن شتر و کالسکه و متان با آن غول در قفسهٔ بسته‌ای با نام تاندردام مبارزه کند. مکس با پیدا کردن نقطه‌ضعف غول موفق به شکست دادن او می‌شود و هنگامی که می‌خواهد او را بکشد می‌فهمد این انسان درشت‌اندام یک بیمار سندروم‌داون است و قید کشتن او را می‌زند. چه شد؟ آن غول آگاه به توانایی و زور و خشونتش حالا تبدیل به انسانی معصوم شد؟ مکس هم بدلیل زبر پا گذاشتن قوانین بصورت دست‌وپا بسته و برعکس و ماسکی بر صورت بر اسبی قرار داده می‌شود و به‌سمت بیابان تبعیدش می‌کنند. بدون آنکه معلوم شود چند مدت گذشته‌ است و گرمای بیابان سوزان تلف می‌شود و مکس بی آب و غذا هنوز سرحال و روپا است. و یک زندانی توسط یک بوزینه به مکس آب می‌رساند. این منطق آقای کارگردان برای ساختن دنیای آخرالزمانی‌اش و تأثیر گذاشتن است. در پایان فیلم، مکس علیه آنتی شورش می‌کند و مستر بلستر را نجات می‌دهد. مخاطب چگونه با این اشخاص همذات‌پنداری کند. پارهٔ دوم فیلم و آن کودکان آواره در بیابان که بدنبال کاپیتان واکر می‌گردند و اصلاً معلوم نیست چگونه سر از آنجا درآورده‌اند مضحکه دیگری است که بهتر از آن بگذریم.

خدا و در محاصرهٔ ساکنان سرزمین نابودی رها می‌کند، تنها زمانی به‌سوی آن‌ها برمی‌گردد که ماشین خودش کامل از بین رفته است و راه دیگری برای دور شدن از آن سرزمین را ندارد، چه انتظاری از بقیه ساکنان زمین داشته باشیم که برای ادامهٔ زندگی بخواهند راه و روشی اخلاقی را برگزینند و آن همه مرثیه‌سرایی برای چنین فردی که فقط برای منافع خود تلاش می‌کند چگونه می‌توان منطق در نظر گرفت؟ اساساً وقتی ما نتوانیم شخصیت اصلی فیلم را بدرستی پرورش دهیم تا دغدغه و باور او برای مخاطب قابل لمس باشد و شخصیتی ساخته‌ایم خنثی و بی‌درد که فقط می‌خواهد معامله کند، بقیهٔ عناصر فیلم و آن چیزی که برای فیلم و سازنده‌اش ارزش است بر روی هوا قرار دارد و هیچ امتیاز خاصی نخواهد داشت. پسریچهٔ لال، خلبان مشنگ و عشقش به‌عنوان شخصیت‌های فرعی و آن جملهٔ بی‌پشتوانهٔ معشوق که می‌خواهد با خانواده‌اش بماند که قرار است جز مسائل مهم و حیاتی فیلم باشد نیز وضعیت بهتری ندارند و با ساختن‌شدن اجزای اصلی فیلم، هر چیزی دیگری که فیلم می‌خواهد بسازد بوجود نخواهد آمد و با حرف زدن و نریشن گذاشتن نیز ساخته نخواهد شد و فقط نابلدی خود را در ساختن عیان می‌کند.

مکس دیوانه: فراتر از تاندردام ملغمه‌ای است بی‌هدف و بی‌پایه که از مکس دیوانه: جنگجوی دیوانه هم ضعیف‌تر است و اصلاً معلوم نیست در مورد چه چیزی است و باید زده‌بین برداشت و تلاش کرد تا فهمید در این‌یکی چه چیزی درحال رخ دادن است. مشکلات اساسی دو فیلم قبلی نیز در قسمت سوم هم وجود دارد و تشخیص‌دادن اینکه میلر در این داستان چه ویژگی خاصی دیده است می‌خواهد از طریق آن جهان آخرالزمانی خود را بسازد و یا با فرض آنکه چیزی را قبلاً ساخته است گسترش دهد و جهان‌بینی خود را در قبال جهان تشریح دهد کار بسیار دشواری است و تنها دلیل آن هم این است با چند ایده و چند جمله نمی‌توان تهاشمفر و حال‌وهوا ساخت و مخاطب تمام پیش‌فرض‌های ما را بی‌چون و چرا نخواهد پذیرفت بلکه باید ساخت و ساخت و دوباره باید ساخت.

فیلم با هلی‌شات‌ها آغاز می‌شود و کویی جهان کاملاً تبدیل به بیابان شده است و دیگر هیچ نشانه‌ای از تمدن و انسان در آن نیست. دیگر خبری از ماشین مکس نیست



شرکت آب و فاضلاب استان البرز

سیستم مدیریت یکپارچه / کد ۱۰/۴۳/۰۳

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (شماره ۵۵/ی ج/۱۴۰۴) - نوبت اول

شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد اجرای کلکتور فاضلاب به طول ۱۰۰۰ متر بصورت پراکنده در سطح استان البرز را از محل منابع داخلی شرکت و از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکار واجد شرایط و دارای حداقل رتبه ۵ در رشته آب واگذار نماید. برآورد پروژه، مدت اجرای پروژه، نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: برآورد براساس فهرس بهاء ابنیه و شبکه جمع آوری و انتقال فاضلاب سال ۱۴۰۴، مبلغ ۳۶/۱۶۸/۶۰۰ ریال و مدت اجرای کار ۳ (سه) ماه و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۲/۵۱/۸۰۸/۴۳۰ ریال بصورت یکی از تضمین ذکر شده در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۳۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹/۵۰۶ مورخ ۹۴/۰۷/۲۲ می باشد. نحوه دریافت اسناد مناقصه: داوطلبان می توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ تا ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ از طریق سامانه

ستاد به آدرس www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۵۱۸۶۰۰۰۰۵۵ اقدام نمایند. تلفن تماس: ۰۲۶-۳۲۱۱۷۱۵۱

مهلت تحویل اسناد مناقصه: مناقصه گران علاوه بر بارگذاری فایل های PDF در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تا ساعت ۹ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷، موظف به ارائه تضمین شرکت فرآیند ارجاع کار در پاکت لاک و مهر شده تا

ساعت ۱۰ همان روز به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز می باشند. تاریخ بازگشایی پاکت: ساعت ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ خواهد بود. سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است. ۲۵۳۴۵/۰۵ شناسه: ۱۹۵۸۹۵۳ شرکت آب و فاضلاب استان البرز «سهامی خاص»



شرکت آب و فاضلاب استان البرز

آگهی تجدید فراخوان شناسایی سرمایه گذار شماره ۳/م ج/۱۴۰۴

«آگهی فراخوان شناسایی مصرف کنندگان پساب جهت فروش امتیاز استفاده بخشی از پساب

خروجی تصفیه خانه فاضلاب مهستان (شهر جدید هشتگرد) با کاربری صنعت، خدمات و کشاورزی صنعتی» - نوبت دوم

۲- بدیهی است این فراخوان به منظور شناسایی خریداران متقاضی استفاده از پساب تصفیه خانه فاضلاب مهستان (شهر جدید هشتگرد) می باشد و هیچ گونه تعهدی برای شرکت آب و فاضلاب استان البرز ایجاد نخواهد کرد. ۳- پس از شناسایی سرمایه گذاران واجد شرایط، شرکت آب و فاضلاب استان البرز فرآیند ارائه اسناد فروش و ادامه روند برگزاری مزایده را در حداقل زمان ممکن در دستور کار خود قرار خواهد داد. شناسه: ۱۹۵۸۹۶۰ شرکت آب و فاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

- پساب بهاء در طول دوره فروش پساب، دریافت می شود (مبلغ آن توسط متقاضیان پیشنهاد می گردد) بهای پساب تحویلی در طول دوره قرارداد، تعدیل و به حساب مزایده گر واریز می شود. ۵- تاریخ، مهلت و محل تحویل اسناد: ۱- متقاضیان واجد شرایط می توانند تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ اظهارنامه اعلام آمادگی و روزمه خود را به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز واقع در کرج، بلوار چمران، ابتدای زیر گذر شورا، ساختمان شماره یک، طبقه همکف تحویل نمایند.

در مهستان استان البرز ۳- ظرفیت قابل فروش سالیانه: ۳/۶۸۵/۰۰۰ متر مکعب در سال و در مجموع دوره استفاده از پساب ۵۵/۲۷۵/۰۰۰ متر مکعب - طول دوره استفاده از پساب: ۱۵ سال از تاریخ شروع بهره برداری تجاری - مدت اولیه دوره پیشبرد قرارداد و احداث تاسیسات انتقال پساب تا محل مصرف: حداکثر ۶ ماه از تاریخ نفوذ قرارداد - شرایط انتخاب برنده مزایده: بالاترین بهای پساب پیشنهادی مزایده گران ۴- شرایط خرید پساب: پرداخت های خریدار به شرح زیر می باشد:

شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد امتیاز استفاده بخشی از پساب تصفیه خانه فاضلاب مهستان (شهر جدید هشتگرد) را با کاربری معین و حجم مشخص برای دوره زمانی محدود و معین از طریق مزایده عمومی و با شرایط ذیل به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. ۱- عنوان مزایده: فروش امتیاز استفاده بخشی از پساب خروجی تصفیه خانه فاضلاب مهستان (شهر جدید هشتگرد) با کاربری صنعت، خدمات و کشاورزی صنعتی ۲- محل تحویل پساب: خروجی تصفیه خانه فاضلاب مهستان (شهر جدید هشتگرد) واقع

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۳/۱۰۲۰۰۵۵۹۳ مورخ ۲۵ خردادماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی رضا عبدالوفاقی فرزند مرتضی به شماره شناسنامه ۲۲۴۸۹ کد ملی ۰۰۶۰۱۱۱۰۱۱ نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۸۴/۴۴ مترمربع از پلاک ۲۲۲ فرعی از ۳۲۶ اصلی از مالکیت پروانه اخوین ذیل صفحه ۸۹ دفتر ۳۴ واقع در خوروبین حوزه ثبت ملک ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده برابر نامه بنیاد مسکن نوع کاربری ملک ۳۰/۴۶ متر معبر و ۲۵۹/۲ متر مسکونی و ۳۹۶/۶۱ متر کشاورزی میباشد. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از رسید، ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۹۱۵۰ نوبت دوم: ۱ مردادماه ۱۴۰۴

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴/۰۳/۱۰۲۰۰۵۵۹۳ مورخ ۲۵ خردادماه ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی رضا عبدالوفاقی فرزند مرتضی به شماره شناسنامه ۲۲۴۸۹ کد ملی ۰۰۶۰۱۱۱۰۱۱ نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۸۴/۴۴ مترمربع از پلاک ۲۲۲ فرعی از ۳۲۶ اصلی از مالکیت پروانه اخوین ذیل صفحه ۸۹ دفتر ۳۴ واقع در خوروبین حوزه ثبت ملک ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده برابر نامه بنیاد مسکن نوع کاربری ملک ۳۰/۴۶ متر معبر و ۲۵۹/۲ متر مسکونی و ۳۹۶/۶۱ متر کشاورزی میباشد. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از رسید، ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۹۱۵۰ نوبت دوم: ۱ مردادماه ۱۴۰۴

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سید کیاء اوجانی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است به علت سهل انگاری اصل سند مالکیت مفقود شده است و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده که برابر محتویات پرونده ثبتی سند مالکیت شش دانگ یک دستگاه آپارتمان مسکونی به مساحت ۱۵۵/۵۶ مترمربع قطعه ۱ تفکیکی به شماره ۲۸۷۵۵ فرعی از ۱۵۷ از اصلی مفروز از پلاک ۵۹۶۲ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج برابر ماده ۱۰۶ شماره ۱۳۸۸۸۶/۱ مورخه ۱۳۹۵/۰۹/۲۰ به نام آقای سید کیاء اوجانی ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۲۳۹۲۸۷ صادر شد و سپس برابر سند رهنی شماره ۵۰۸۴۳ مورخه ۱۳۹۷/۱۱/۱۶ دفتر ۴۰ کرج در رهن بانک قرار گرفت لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه طرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۹۶۰۲۸۵

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بموجب تقاضای وارده مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ آقای جواد خان محمد به شماره ملی ۰۴۵۲۰۱۴۵۰۶ فرزند علی برای شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ثبتی ۵۴۰ فرعی از ۱ اصلی شهرستانک واقع در جاده چالوس جز حوزه ثبتی شهرستان کرج درخواست تحدید حدود اختصاصی را نموده اند و چون تحدید حدود شش دانگ پلاک مذکور بعلت عدم حضور مالک بعمل نیامده، و برابر ماده ۱۵ قانون ثبت نیز نمی توان عمل نمود. لذا تحدید حدود ملک مزبور در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ ساعت ۹ صبح در محل وقوع ملک شروع و بعمل خواهد آمد بدینوسیله به اطلاع کلیه مالکین و مجاورین پلاک فوق الذکر میرساند؛ در روز و ساعت مقرر در محل وقوع ملک حاضر چنانچه نسبت به تحدید حدود اعتراض داشته طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود به مدت ۳۰ روز اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ کرج تسلیم و رسید دریافت دارند و اعتراض کننده مکلف است در اجرای ماده ۸۶ آیین نامه قانون ثبت طرف مدت ۳۰ روز ((یک ماه)) از تاریخ تسلیم اعتراض خود به اداره ثبت و دادخواست تنظیمی خود را که به مراجع قضایی تقدیم نموده گواهی و رسید دریافت نموده و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در غیر اینصورت حق واخواهی ساقط خواهد شد. ۱۹۵۹۱۴۶

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج



کاروان تیم فوتبال پرسپولیس به منظور برگزاری اردوی پیش فصل خود، روز چهارشنبه هفته جاری، تهران را به مقصد ترکیه ترک می‌کند. سرخپوشان پایتخت که قرار بود فردا سه‌شنبه تمرینات خود را در تهران آغاز کنند، به دلیل تغییرات بوجود آمده و در پی هماهنگی با وحید هاشمیان سرمربی جدید تیم پرسپولیس، اردوی پیش فصل خود را روز چهارشنبه در ترکیه آغاز می‌کنند. پرسپولیس با پرواز چارتر راهی کشور ترکیه و شهر ارزوم شده و در کمپ مجهز این شهر اسکان پیدا می‌کند. اردوی سرخپوشان با نظر وحید هاشمیان ۱۶ روز به طول انجامیده و سرخ پوشان در این مدت تمرینات بدنسازی و تاکتیکی خود را انجام خواهند داد.

سرخ‌ها



فوتبال ما با مدل اروپایی موفقیت. مربیگری در پرسپولیس، آزمون استاندارد مربیگری نیست؛ آزمون بقاست. مربی این تیم باید در فشار رسانه‌ای، در تنش رختکن، در هجوم شبکه‌های مجازی، و زیر بار انتظارات مضاعف تماشاگران، هم تاکتیک بلد باشد، هم روانشناسی. وحید هاشمیان بی‌تجربه است؟ بله، اما بی‌دانش نیست. ناآزموده است؟ قطعاً، اما ناآگاه نیست. او مربی‌ای نیست که با تکیه بر «جایگاه اسطوره‌ای» وارد تیم شده باشد؛ هاشمیان با اتکا به کارنامه‌ای که زیر پوست فوتبال حرفه‌ای اروپا شکل گرفته، حالا این‌جاست تا فرق بگذارد. تا شاید مسیر متفاوتی را برای مربیان ایرانی هموار کند. در روزهایی که گارد رسانه‌ای، فضای هواداری و حتی بدنه‌ی مدیریتی پرسپولیس از ناکامی‌های فصل گذشته زخم خورده، گزینه‌ای همچون هاشمیان می‌تواند مرمز باشد. نه از آن‌رو که معجزه خواهد کرد، بلکه از آن‌رو که ظرفیت ساختن دارد. فوتبالست آکادمیک ما از بطن همان ساختاری آمده که امروز برایش دلتنگیم؛ همان لیگی که مربی‌ای مثل یورگن کلوپ از دل آن بیرون آمد و «پروسمحوری» را جایگزین نتیجه‌گرایی لحظه‌ای کرد. پرسپولیس فصل آینده در لیگ خنجران آسیا حضور ندارد؛ این یعنی زمان بیشتر برای تثبیت سبک و کنترل بحران. فرصتی نادر برای تمرکز کامل روی بازسازی تیم، بازتعریف فلسفه‌ی بازی، و ساختن هویتی تازه که بیش از گل‌زنی و بردن، بر «چگونه بازی کردن» تأکید دارد. اگر این فصل به‌درستی مدیریت شود، می‌تواند به نقطه‌ی عطفی برای هاشمیان و باشگاه بدل شود. بی‌شک مسیر آسان نخواهد بود. محدودیت در جذب دستیاران خارجی، ترکیب نیمه‌کاره‌ی تیم، فشار فزاینده‌ی هواداران و رسانه‌ها، و دخالت‌های آشکار و

تور الاهلی عربستان برای شکار مسی؛

لئو در راه آسیا!

امین صناعی

سران باشگاه الاهلی عربستان در صدد هستند تا فوق‌ستاره آرژانتینی را به خدمت گرفته و شرایط حضور مسی در این تیم را فراهم کنند. مسئولان الاهلی عربستان در حال مذاکره با لیونل مسی هستند تا به نوعی مقدمات حضور او را در این تیم فراهم کنند. مسی ۳۸ ساله، از زمان پیوستن به اینترمیامی در سال ۲۰۲۳، یک خرید قابل توجه برای این تیم بوده است، این اسطوره آرژانتینی در ۶۴ بازی برای تیم تحت مالکیت دیوید بکام، ۵۲ گل به ثمر رسانده و ۲۵ پاس گل داده است تا نشان دهد همچنان یکی از بهترین‌های دنیای فوتبال به شمار می‌رود. قرارداد فعلی او در پایان سال ۲۰۲۵ به پایان می‌رسد و نشریه فرانسوی اکسپ در گزارشی از انتقال او به عربستان سعودی نوشت. در سال ۲۰۲۳، زمانی که مسی PSG را ترک کرد سران فوتبال عربستان تلاش خود را برای حضور او در این کشور آغاز کردند، تلاشی که همچنان ادامه دارد. گفته می‌شود که این بازیکن ۳۸ ساله پیشنهاد بی‌سابقه‌ای به مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار در سال (۲۹۴ میلیون پوند) از الهلال را رد کرده بود و باید دید رقم پیشنهادی مسئولان الاهلی عربستان می‌تواند لئو را برای حضور در فوتبال این کشور راضی کند. جزئیات مالی مربوطه گزارش نشده اما باشگاه الاهلی تمام تلاش خود را برای فراهم کردن این انتقال انجام می‌دهد. گزارش‌ها در مورد علاقه عربستان سعودی به مسی در حالی منتشر می‌شود که این بازیکن ۳۸ ساله، قبلاً قراردادی سه ساله به ارزش تقریبی ۲۵ میلیون دلار (۱۸.۴ میلیون پوند) با سازمان گردشگری عربستان سعودی برای تبلیغ این کشور امضا کرده است. مسی همچنین قبلاً در مورد علاقه عربستان سعودی به او در سال ۲۰۲۳ صحبت کرده و اشاره کرده بود که این گزینه می‌تواند در آینده ممکن باشد. او در ماه مارس به مجله تایم گفت: خیلی به رفتن به لیگ عربستان فکر می‌کردم. این کشور را می‌شناسم و آن‌ها یک رقابت بسیار قدرتمندی ایجاد کرده‌اند که می‌تواند در آینده‌ای نزدیک به یک لیگ مهم تبدیل شود.



۳ شمشیر باز اصفهانی به تیم ملی دعوت شدند

اصغر قلندری



طباطبایی، آخرین مراحل آمادگی خود را پیش از اعزام به مسابقات جهانی سپری خواهد کرد. مسابقات جهانی از ۲۸ تیرماه در شهر تفلیس گرجستان شروع می‌شود.

هدف آماده‌سازی ملی‌پوشان برای حضور در رقابت‌های جهانی تفلیس گرجستان برنامه‌ریزی شده است. دیگر اعضای دعوت‌شده به این اردو عبارتند از: سید محمدصادق سجادیپور (خراسان رضوی) صدرا جهانی (آذربایجان شرقی) و ماهان میرزائی (تهران) این تیم با مربیگری سید محمد صادق

علی امینی، عرفان جعفرزاده و صدرا حسینی از اصفهان به اردوی تیم ملی شمشیربازی ایران دعوت شدند. اردوی آمادگی تیم ملی شمشیربازی اسلحه فلوره آقایان از تاریخ ۱۹ لغایت ۲۵ تیرماه در مشهد مقدس برگزار خواهد شد. این اردو با

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۳۰۷۶/۱۴۰۴ مورخ ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خرامان رامی فرزند رضا به شماره ملی ۲۹۰۶۶۸۶۳۰ در شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۵۲۰.۵۷ مترمربع از مالکیت کرمعلی عزتور نسبت به پلاک ۲ اصلی ذیل دفتر ۸۴۹ صفحه ۳۶۹ واقع در قلعه سلیمانخان حوزة ثبتی ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۱۹۳۲ نوبت اول: ۲ تیرماه ۱۴۰۴

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت دوم)

برابر رای شماره ۳۰۷۵/۱۴۰۴ مورخ ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خرامان رامی فرزند رضا به شماره ملی ۲۹۰۶۶۸۶۳۰ در شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۱۶۴۰.۳۲ مترمربع از مالکیت کرمعلی عزتور نسبت به پلاک ۲ اصلی ذیل دفتر ۸۴۹ صفحه ۳۶۹ واقع در قلعه سلیمانخان حوزة ثبتی ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۱۸۹۰ نوبت اول: ۲ تیرماه ۱۴۰۴

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

سه شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۴۷

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



این کودکان عدد نیستند

در دنیایی که هنوز صدای العطش میدان کربلا خاموش نشده، باز هم کودکانی بی گناه، لب تشنه ی آغوش مادر، به جرم پاکی و بی پناهی، پای بیرق حق به خون نشستند. اینان فرزندان امروز کربلایند؛ دل های کوچکی شان در سودای حسین، زخم خورده ی ظلم، و نگاهشان روشنی راه آزادگان، هرگلی زخمی، فریاد «هل من ناصر ینصرنی» و هر اشک مادر، ادامه ی داغ زینب است
ای این خاک سپاران بی دفاع، نامتان تا همیشه بر صفحه ی تاریخ با مهر مظلومیت و شرافت خواهد درخشید